

درس پنجم | خدا معیارهایی را برای زندگی عطا می‌کند



تصور کنید قصد خرید یک دوچرخه را دارید و در مغازه دوچرخه زیبایی را می‌بینید. این دوچرخه دقیقاً همان چیزی است که همیشه خواهانش بودید. البته که خیلی دوستش دارید، اما از آنجا که فرزند خدا هستید، بدون فکر عمل نمی‌کنید. شما برای خرید این دوچرخه از خانواده پول نمی‌گیرید یا از دوستان خود، قرض نمی‌کنید. می‌دانید که باید یک تصمیم عاقلانه بگیرید. پس چه کار می‌کنید؟

در کتاب مقدس هیچ آیه‌ای برای اینکه آیا دوچرخه بخرید و یا نخرید، وجود ندارد و در دوران کتاب مقدس دوچرخه‌ای هم وجود نداشت. از طرفی، خرید دوچرخه نه لزوماً یک عمل خوب و نه بد، به شمار می‌آید. بنابراین خدا برای دوچرخه، احکام و قانون خاصی ندارد. کتاب مقدس یک ابزار جادویی نیست که به ما در هر تصمیمی، "بله" یا "خیر" بگوید. اما مسلماً کتاب مقدس راهنمایی‌هایی برای تصمیمات روزانه به ما ارائه می‌دهد.

در این درس، این قواعد و اصول موجود در کلام خدا را خواهیم آموخت.

سرفصل‌ها

- A. معیارهایی برای زندگی
- B. شناخت اصول کتاب مقدسی
- C. به کارگیری اصول کتاب مقدسی

اهداف این درس

۱. تفاوت بین اصول کتاب مقدسی و اصول دنیوی را توضیح دهید
۲. نحوه یافتن و شناخت اصول کتاب مقدسی را توضیح دهید
۳. اصل مباشرت را با پیروی از راهنمایی‌های ارائه شده برای پرورش اصول کتاب مقدسی، توضیح دهید
۴. نشان دهید چگونه اصل کتاب مقدسی خدمت، بر سبک زندگی مسیحی تأثیر می‌گذارد
۵. ماهیت کاربردی اصول بررسی شده را نشان دهید

A. معیارهایی برای زندگی

هدف اول: تفاوت بین اصول کتاب مقدسی و اصول دنیوی را توضیح دهید

"قوانین" به شما گوشزد می‌کنند که چه کاری را باید یا نباید انجام دهید، درحالی‌که "اصول" بیشتر همچون معیارهای اندازه‌گیری هستند که به شما کمک می‌کنند دریابید یک عمل، بهتر از دیگری است یا به همان اندازه خوب است یا بدتر از آن به شمار می‌آید. همه ما طبق یک سری اصول رفتار می‌کنیم، درحالی‌که اکثر مردم متوجه این مسئله نیستند. متداول‌ترین اصل موجود، اصل "لذت" خودخواهانه است به این معنا که اگر چیزی مرا خشنود می‌سازد پس آن را انجام می‌دهم.

لذت شخصی استاندارد نیست که عیسی با آن زندگی کرد و مُرد. در فیلیپیان باب ۲ در رابطه با فروتنی و عظمت مسیح می‌خوانیم.

معیار دیگری که مردم بر اساس آن تصمیم می‌گیرند کاری انجام دهند، شهرت است. شهرت یعنی محبوبیت و دوست داشته شدن توسط عده‌ای زیاد از مردم و شامل تمایل برای دریافت تحسین دیگران می‌شود. کتاب مقدس به ما می‌گوید که در پی تحسین خدا باشیم و نه مردم (رومیان ۲: ۲۹). دنبال شهرت بودن، یک اصل مسیحی نیست.

پرسش‌های کاربردی

۱. وقتی در فکر خرید یک چیز خاص هستید ابتدا به این فکر کنید که

(a) آیا خرید این چیز باعث شهرت شما بین افرادی که می‌شناسید می‌شود؟

(b) دلیل شما برای نیاز به آن چیز، چیست؟ سپس قبل از تصمیم‌گیری برای آن دعا کنید.

(c) می‌خواهید آن را داشته باشید و بلافاصله آن را می‌خرید.

۲. به تصمیمی که همین اواخر گرفتید فکر کنید، می‌توانید بگویید چه اصل و یا اصولی را به کار گرفتید؟ اگر از یک اصل دیگر پیروی می‌کردید، آیا تصمیم‌تان متفاوت می‌بود؟

B. شناخت اصول کتاب مقدسی

هدف دوم: نحوه یافتن و شناخت اصول کتاب مقدسی را توضیح دهید

تمامی اصول کتاب مقدس از شریعت بزرگ محبت، سرچشمه می‌گیرند. این شریعت بزرگ محبت بدین معناست که مسیحیان باید به

خدا، دیگران و خودشان، محبت کنند زیرا خدا آن‌ها را دوست دارد. اصل کتاب مقدسی محبت، اصول بسیار دیگری را نیز در خود جای می‌دهد. در اینجا به سه روشی که می‌توان بدان وسیله این اصول محبت را در کتاب مقدس یافت، اشاره می‌کنیم:

۱. به نمونه‌هایی که کتاب مقدس از رفتار مورد نظر خدا برای ما، ارائه می‌دهد، نگاه کنید. برای مثال داستان سامری نیکو را بخوانید که به همسایه خود محبت کرد و آنچه عیسی گفت را در نظر داشته باشید: «برو و تو نیز چنین بکن» (لوقا ۱۰: ۳۷). ابراز محبت و مهربانی، معیار خوبی برای زندگی است.

۲. توضیحات و پیشنهاداتی که در کتاب مقدس درباره زندگی مسیحی ارائه شده است را مطالعه کنید. کتاب مقدس داستان‌ها و فرامین زیادی ارائه داده تا با کمک آن بتوانیم یک زندگی مسیحی داشته باشیم. برای مثال کتاب مقدس در رابطه با خدا می‌فرماید: "با گشاده دستی به نیازمندان می‌بخشد" (دوم قرن‌تیا ۹: ۹). این اصل و اصول مشابه دیگر، توضیح می‌دهند که باید برای برخورداری از یک زندگی سالم چه کارهایی انجام دهیم.

۳. رفتار عیسی را بررسی کنید. اگر قرار است بیشتر شبیه او شویم، لازم است بدانیم که او چگونه زندگی کرده است. پولس می‌نویسد: «همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت» (فیلیپیان ۲: ۵).

با بکارگیری روش‌های بالا، می‌توانید اصولی را پیدا کنید که شما را در تمامی مشکلات زندگی یاری کند. به‌خاطر داشته باشید که تمامی این اصول، الهی هستند و به ما کمک می‌کند حکمت خود را پرورش دهیم، همان حکمتی که خدا از طریق کلامش و از طریق دعا به فرزندان خود عطا می‌کند. درک حکمت خدا، خود یک اصل کتاب مقدسی است. در رساله یعقوب می‌خوانیم:

«اگر از شما کسی بی‌بهره از حکمت است، درخواست کند از خدایی که سخاوتمندانه و بدون ملامت به همه عطا می‌کند، و به وی عطا

خواهد شد» (يعقوب ۵:۱).

این آیه در وهله اول به ما می‌آموزد که باید فروتن باشیم و بپذیریم که تمام پاسخ‌ها را نمی‌دانیم و در عین حال باید باور داشته باشیم که تمام پاسخ‌ها مسلماً نزد خداست. «پس آزادانه به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد» (عبرانیان ۴:۱۶).

در نهایت اینکه بایستی منتظر دریافت پاسخ باشیم و تا زمانی که نسبت به اراده خدا در هر موقعیتی مطمئن شویم، صبر کنیم. وقتی که در کلام خدا جستجو می‌کنیم و به روح القدس اجازه می‌دهیم ما را هدایت کند، آنگاه خدا ما را در گرفتن تصمیمات یاری می‌رساند.

پرسش‌های کاربردی

۳. یکی از روش‌های پی بردن به اصل کتاب مقدسی که می‌تواند به شما در تصمیم‌گیری کمک کند، این است که

(a) کتاب مقدس را مطالعه کنید.

(b) نظرات خود را امتحان کنید.

(c) صبر کنید و ببینید دوستانان به شما می‌گویند چه کار کنید.

۴. در کتاب مقدس نمونه‌ها و پیشنهادات زیادی وجود دارد که اصولی برای زندگی کردن به شما ارائه می‌کنند. همان‌طور که این درس را مطالعه می‌کنید، دعا کنید خداوند به شما حکمت عطا کند و به شما نشان دهد که چگونه این اصول را یافته، به کار گیرید.

اصل مباشرت

هدف سوم: اصل مباشرت را با پیروی از راهنمایی‌های ارائه شده برای پرورش اصول کتاب مقدسی، توضیح دهید

هر آنچه داریم هدیه‌ای از جانب خداست. او جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، را خلق کرد. او همه چیز را با قدرت خود حفاظت می‌کند. او فصل‌ها و محصولات را می‌فرستد. پس هر آنچه که از لحاظ مادی داریم، خانه، پول و خوراک، همه به او تعلق دارد.

خدا ما و تمام استعدادها و هوش ما را نیز خلق کرد و از طریق عیسی، به ما حیات جاودانی بخشید. ما فرزندان او هستیم، زیرا او این هدیه را به ما بخشید. هر آنچه که هستیم از طرف خدا و متعلق به اوست. دارایی‌های ما، توانایی‌های فیزیکی و فکری و وقت ما، همه نزد ما امانت است و خدا که مالک حقیقی است، از ما انتظار دارد به بهترین شکل، از آن‌ها استفاده کنیم. او نحوه مراقبت و مدیریت آنچه به ما امانت داده را داوری خواهد کرد.

در متی ۲۵: ۱۴-۳۰ عیسی مَثَلی از سه خادم بیان می‌کند که اربابشان، به سفر رفت و مقادیر بزرگی پول در اختیار آن‌ها گذاشت. او این مقادیر پول را بر طبق توانایی‌های خادمان به آن‌ها بخشید. ارباب از خادمان انتظار داشت از پول برای خرید و فروش کالا استفاده کنند. و دو خادم حقیقتاً به سختی کار کردند و سود بزرگی برای ارباب خود مهیا کردند. اما خادم سوم هیچ کاری نکرد. او صادق بود اما از این می‌ترسید که از پول ارباب استفاده کند و یا شاید آن را از دست بدهد. پس چاله‌ای در زمین گند و پول را در آن پنهان نمود. هنگامی که ارباب بازگشت، دو خادم اول را که سخت کار کرده بودند، تشویق کرد. اما از خادمی که تنبلی کرده بود و هیچ کاری انجام نداده بود، عصبانی شد. ارباب او را خادم بد و تنبل خواند و پول خود را از او پس گرفت و او را بیرون کرد.

این داستان اصل مباشرت را به تصویر می‌کشد: استفاده درست از آنچه خدا به ما داده تا از آن مراقبت کنیم. کتاب مقدس مطالب بسیاری در رابطه با مباشرت بیان می‌کند. عهدعتیق ده‌یک دادن را تشویق می‌کند که همان بخشیدن یک‌دهم از درآمد و یا محصول خود، برای کار خدا است. عهدعتیق از بخشیدن نوبر محصولات یا نخست‌زادگان

برای خدمت به خدا، نیز صحبت می‌کند. عهدجدید ایمانداران را ترغیب می‌کند که به‌خاطر انجیل، خوراک و مال خود را با مردم نیازمند تقسیم کنند. اما بخشندگی با دل خوش است که نشانه‌ای از مباشرت به شمار می‌آید. با بخشش‌های خود، نشان می‌دهیم از این حقیقت آگاهیم که هر آنچه داریم در واقع به خداوند تعلق دارد. این کار نگرش مشتاقانه ما به انجام کاری که خدا از ما انتظار دارد، را نشان می‌دهد.

عیسی تأکید زیادی بر بخشیدن اموال داشت. «هر که به او بیشتر داده شود، از او بیشتر نیز مطالبه خواهد شد؛ و هر که مسئولیتش بیشتر باشد، پاسخگویی‌اش نیز بیشتر خواهد بود.» (لوقا ۱۲: ۴۸)

عیسی همچنین از تصویر ثمردهی و میوه آوردن استفاده کرد. یکی از بزرگترین دغدغه‌های عیسی این بود که فرزندان خدا پرتمر باشند. او می‌دانست مسیحیانی که از توانایی‌ها و منابع خود برای خدا استفاده می‌کنند، پرتمر خواهند بود و این کار منجر به جلال یافتن خدا خواهد شد. عیسی گفت: «جلال پدر من در این است که شما میوه بسیار آورید؛ و این‌گونه شاگرد من خواهید شد» (یوحنا ۱۵: ۸).

ثمردهی در نتیجه مباشرت خوب ایجاد می‌شود و به معنای استفاده درست استعدادهایی است که خدا به ما داده است. ثمربخش بودن به معنای استفاده از عطایای خدا، برای خیریت دیگران و جلال او است. پطرس رسول ما را تشویق می‌کند تا ناظران یا مباشران خوبی باشیم:

«همچون مباشران امین بر فیض گوناگون خدا، یکدیگر را با هر عطایی که یافته‌اید خدمت کنید. اگر کسی سخن می‌گوید، سخن او مانند سخنان خدا باشد؛ و اگر کسی خدمت می‌کند، با قدرتی که خدا می‌بخشد خدمت کند، تا در همه چیز، خدا به واسطه عیسی مسیح تمجید شود. جلال و توانایی تا ابد بر او باد. آمین.» (اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱).

اصل مباشرت در زندگی یک مسیحی به معنای آگاهی داشتن از

این مهم است که خدا همه چیز را بخشیده، تا حکیمانه مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین ما باید از تمام عطایای خدا استفاده کنیم تا بتوانیم ناظران مسئول و پرتمیزی باشیم.

پرسش‌های کاربردی

۵. کدامیک از عبارات زیر را می‌توان در رابطه با اصل مباشرت به کار برد؟ گزینه درست را مشخص کنید.

- (a) آنچه با اوقات فراغت خود می‌کنید.
- (b) هر روز وظایف شغلی خود را چگونه انجام می‌دهید.
- (c) از چه رنگ‌هایی برای لباس‌های خود استفاده می‌کنید.
- (d) حقوق و درآمد خود را چگونه خرج می‌کنید.
- (e) چه مطالبی را، و چگونه مطالعه می‌کنید.

۶. دوباره به تصمیماتی که در سوال دوم گرفتید فکر کنید. آیا این تصمیمات بر طبق اصل مباشرت گرفته شده‌اند؟ اگر نه، آیا می‌توانید به یک تصمیم که این اصل در آن رعایت شده است فکر کنید؟ آیا فکر می‌کنید تصمیم عاقلانه‌ای گرفتید؟

اصل خدمت

هدف چهارم: نشان دهید چگونه اصل کتاب مقدسی خدمت، بر سبک زندگی مسیحی تأثیر می‌گذارد

مباشران در واقع خادمی هستند که مسئولیت نظارت بر اموری که ارباب به آن‌ها سپرده را بر عهده دارند. خادمان برای پیروی کردن از فرامین ارباب به کار گرفته می‌شوند، پس باید فردی که فرمان می‌دهد را بشناسند: آن‌ها باید خداوند و ارباب خود را بشناسند.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که مردم اربابان بسیاری دارند. انسان بنده گناه (رومیان ۶:۲۰)، شهوات نفسانی (افسیسیان ۳:۲ و رومیان ۱۶:۱۸) و عشق پول (متی ۶:۲۴) است. اما فرزند خدا باید تنها یک خداوند و ارباب داشته باشد و نمی‌تواند دو ارباب را خدمت کند (متی ۶:۲۴). تمام زندگی ما باید صرف خدمت خدا شود.

این همان تصمیمی است که یک ایماندار مسیحی باید در زندگی خود اتخاذ کند، نه یک بار بلکه هر روزه. احتمالاً داستان یوشع نبی را بخاطر دارید که قوم اسرائیل را به سوی سرزمین وعده هدایت کرد و با کمک خدا قوم‌های بسیاری را بیرون راند. وقتی که یوشع سالخورده بود، قوم خود را دور هم جمع کرد زیرا می‌خواست از این امر مطمئن شود که آن‌ها همچنان به خدمت به خدا ادامه می‌دهند. او می‌دانست چقدر راحت ممکن است به پرستش خدایان دورغین کشیده شوند پس نیکویی خدا را به آن‌ها یادآور شد. سپس آن‌ها را با این آیات به چالش کشید:

«پس حال از خداوند بترسید و او را با خلوص و وفاداری عبادت کنید و خدایانی را که پدران‌تان در آن سوی رود و در مصر عبادت می‌کردند، به دور افکنید و خداوند را عبادت کنید و اگر در نظر‌تان ناپسند است که خدا را عبادت کنید، همین امروز برای خود برگزینید که را عبادت خواهید کرد، خواه خدایانی را که پدران‌تان در آن سوی اردن عبادت می‌کردند، خواه خدایان آموریان را که در سرزمینشان به سر می‌برید. اما من و خاندانم، بیهوه را عبادت خواهیم کرد» (یوشع ۲۴:۱۴-۱۵).

یوشع تصمیم خود را اعلام کرد: او خدا را تا لحظه مرگ خدمت کند. او در عین حال که یک رهبر بود، خادم و غلام نیز بود.

نگرش خداوند‌مان عیسی نیز همین بود. اگرچه که ذات خدا را داشت، خود را فروتن ساخت، چرا که او ما را دوست داشت و قصد داشت ما را نجات بخشد. عیسی صورت غلام گرفت و انسان شد (فیلیپیان ۲:۷) او

«تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید» (فیلیپیان ۸:۲).

عیسی خادم خدا بود. او، مردمی که برای نجاتشان آمده بود را نیز خدمت کرد. در طول زندگی‌اش مردم را آزاد ساخت، شفا داد و یاری رساند و با مرگ خود، بشر را از گناه و جهنم آزاد ساخت. عیسی همین روحیه خدمت را از شاگردان خود نیز انتظار دارد. روزی مادر دو تن از شاگردان عیسی از وی درخواست کردند تا در پادشاهی خود جایگاه رفیعی را به آن‌ها اختصاص دهد. اما عیسی پاسخ داد: "تنها بی‌ایمانان هستند که می‌خواهند در قدرت باشند و فرمان بدهند" و سپس این اصل خدمت را به شاگردان خود ارائه داد: «... هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود و هر که می‌خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام شما گردد. چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند، بلکه آمد تا خدمت کند و جان‌ش را چون بهای رهایی در راه بسیاری بدهد» (متی ۲۰:۲۶-۲۸).

اصل کتاب مقدسی خدمت، برخلاف خودخواهی است. خدمت شامل فروتنی و اشتیاق برای حرمت گذاشتن به خدا و مردم است. به راهنمایی‌های پولس رسول توجه کنید:

«با محبتِ برادرانه سرسپرده هم باشید. در احترام گذاشتن به یکدیگر، از هم پیشی بگیرید. هیچ‌گاه غیرت شما فروکش نکند؛ در روخ شعله‌ور باشید و خداوند را خدمت کنید» (رومیان ۱۲:۱۰-۱۱).

«به حرمت مسیح، تسلیم یکدیگر باشید» (افسیسیان ۵:۲۱).

«با محبت، یکدیگر را خدمت کنید» (غلاطیان ۵:۱۳).

اجرای اصل خدمت، دشوار است اما ما یاری روح القدس را داریم و به واسطه او قادریم خدا و مردم را خدمت کنیم. از طریق روح القدس می‌توانیم اطاعت، و عمل کنیم و حتی بخاطر مسیح رنج بکشیم. پولس رسول در نامه‌ای به خدما، آن‌ها را این‌گونه به خدمت ترغیب می‌کند: «هر کاری را از جان و دل چنان انجام دهید که گویی برای خداوند

کار می‌کنید، نه برای انسان، زیرا می‌دانید پاداشتان میراثی است که از خداوند خواهید یافت، چرا که در حقیقت خداوند مسیح را خدمت می‌کنید.» (کولسیان ۲۳: ۳-۲۴).

پرسش‌های کاربردی

۷. گزینه‌هایی که در آن‌ها عملی به عنوان خدمت به تصویر کشیده شده را مشخص کنید. گزینه‌هایی که مشخص نکرده‌اید را به گونه‌ای بازنویسی کنید که نشان دهنده اصل خدمت باشند. کلماتی که در پاسخ می‌نویسید ممکن است دقیقاً همان کلماتی که ما استفاده کرده‌ایم نباشد، اما به لحاظ مفهوم بایستی یکسان باشد.

(a) خوراک دادن به شخصی که بیمار است.

(b) وقت ندادن به دوستی که برای تعمیر خانه خود، احتیاج به کمک دارد.

(c) کار کردن فقط در این حد که اخراج نشویم.

(d) پیشنهاد کمک به شبان کلیسا برای خدمت به نوایمانان.

(e) اصرار برای مسئول بودن در محل کار.

(f) انجام کارهایی که در خانه باید صورت گیرند.

(g) خدمت کردن، حتی زمانی که کسی ما را برای انجامش تشویق نکند.

C. به کارگیری اصول کتاب مقدسی

هدف پنجم: ماهیت کاربردی اصول بررسی شده را نشان دهید

مباشرت و خدمت تنها دو اصل از اصول موجود در کتاب مقدس هستند. اما در نظر داشته باشید که شریعت محبت دربرگیرنده اصول بسیاری است که فرصت پرداختن به تمام آن‌ها را نداریم. برای مثال

بخشش (افسیسیان ۲۳:۴)، آرامش (اول تسالونیکیان ۵:۱۳) و شادی (اول تسالونیکیان ۵:۱۶).

اگر بخواهید صرفاً با تکیه بر قدرت خود این اصول را به انجام برسانید، بسیار دشوار خواهد بود. اما شما تنها نیستید؛ شما روح قدوس خدا را دارید که شما را تقویت می‌کند. سخنان پولس را به یاد آورید: «زیرا آنان که از روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدایند. چرا که شما روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان باشید، بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌اید که به واسطه آن ندا درمی‌دهیم: آبا، پدر.» (رومیان ۸:۱۴-۱۵). از طریق روح قدوس خدا قادر خواهید بود اصول خدا را در مشکلات روزانه خود به کار گیرید. گرفتن تصمیمات درست، خدا را جلال می‌دهد و شما را تبدیل به یک ایماندار پیروز می‌گرداند و این اراده و فرمان خدا برای شماست. نوشته‌های یوحنا را به عنوان یک تشویق در نظر بگیرید: «محبت به خدا همین است که از احکام او اطاعت کنیم و احکام او باری گران نیست. زیرا هر که از خدا مولود شده است، بر دنیا غلبه می‌یابد و این است غلبه‌ای که دنیا را مغلوب کرده است، یعنی ایمان ما» (اول یوحنا ۵:۳-۴).

شما می‌توانید بر مشکلات خود غلبه کنید. هیچ مسئله‌ای آنقدر سخت نیست که نتوانید با آن مواجه شوید. شما قادر هستید به واسطه محبت و قدرت خدا، پیروز شوید (رومیان ۸:۳۷-۳۹). خدا به شما حکمت می‌بخشد تا راهنمایی‌هایش را با استفاده از اصولی که در کلام اوست، درک کرده، به مرحله عمل درآوریم. هر شخصی وظیفه دارد این اصول را شناخته، آن‌ها را به کار گیرد. «همه چیز را بیازمایید؛ به آنچه نیکوست، محکم بچسبید. از هر گونه بدی دوری کنید» (اول تسالونیکیان ۵:۲۱-۲۲).

بیایید دوباره از مثال خرید دوچرخه جدید و اصل مباشرت استفاده کنیم:

الف) آیا پولی برای خرید آن دوچرخه دارید؟ آیا خالصانه ایمان دارید که خدا آن پول را فراهم می‌کند؟ (مباشرت یعنی به همان اندازه که مسئولانه به مدیریت امور مالی خود می‌پردازیم، ایمان داریم که او مهیا کننده است.) آیا در این موقعیت، این بهترین کاری است که با آن پول می‌توانید انجام دهید؟ اگر پاسختان بله است پس می‌توانید آن را بخرید.

ب) آیا اگر پول خود را صرف خرید آن دوچرخه کنید، باعث رنجش خدا یا دیگران می‌شوید؟ اگر پاسختان خیر است پس می‌توانید آن را بخرید. به یاد داشته باشید که توجه به خانواده به معنای انکار ایمان نیست (اول تیموتائوس ۵:۸).

پ) آیا به دوچرخه نیاز دارید؟ آیا می‌توانید یک دوچرخه دست دوم مناسب پیدا کنید که پول کمتری برای آن بدهید؟ آیا می‌توانید اطمینان حاصل کنید که با آن دوچرخه دست دوم مجبور نیستید وقت و هزینه خود را به تعمیرش اختصاص دهید؟ پس اگر پاسخ سؤال اول بله است و دوچرخه دست دوم انتخاب ممکن یا حکیمانه‌ای نیست، پس احتمالاً می‌توانید دوچرخه نو را خریداری کنید.

ت) آیا زمان زیادی را به راه رفتن یا تعمیر دوچرخه کهنه اختصاص می‌دهید؟ آیا داشتن دوچرخه جدید موجب صرفه‌جویی در وقت شما و سهولت انجام کارهایتان می‌شود؟ در صورتی که پاسخ شما بله است، پس می‌توانید آن را بخرید.

ث) بعد از دعا (و پاسخ دادن به تمامی سوالات مطرح شده)، آیا مطمئن هستید که خدا خرید دوچرخه جدید را تأیید می‌کند؟ اگر اینطور است پس آن را بخرید.

توجه کنید که ما بر قسمت مثبت این داستان تأکید کرده‌ایم. خدا بهترین را برای شما می‌خواهد. حکم و وعده عیسی را در رابطه با رفع احتیاجات خود را به یاد داشته باشید:

«بلکه نخست در پی پادشاهی خدا و عدالت او باشید، آنگاه همه این‌ها نیز به شما عطا خواهد شد» (متی ۶:۳۳).

شرط لازم که در این‌جا ذکر شده، توجه ما به امور خدا است. در بیشتر مواقع مالکیت و تمایل به امور دنیوی، منجر به بی‌علاقگی به مسایل روحانی می‌شود. مردم ثروتمند فراموش می‌کنند که برکمک خدا توکل کنند. به همین علت خدا به قوم اسرائیل در زمانی که وارد سرزمین وعده شدند در این مورد هشدار داد (تثنیه ۸: ۱۱-۲۰).

همین مسئله ما را به تفکر راجع به اصلی که در رابطه با خدمت مطالعه کردیم، وا می‌دارد. می‌توانیم این اصل را بر روی مثال دوچرخه نیز اعمال کنیم.

۱. آیا می‌خواهید یک دوچرخه بخرید تا خدا را بهتر خدمت کنید؟ آیا خرید دوچرخه به شما در گسترش کارتان برای خدا کمک می‌کند؟ آیا مطمئن هستید که این مسئله زمان و انرژی شما را برای کار خدا نمی‌گیرد؟ پاسخ مثبت به این پرسش‌ها به معنای این است که شما می‌توانید این دوچرخه را بخرید.

۲. آیا مطمئن هستید که تمایل شما برای خرید دوچرخه، خودخواهانه نیست؟ آیا مطمئن هستید که این تصمیم برای اینکه مورد تحسین قرار گیرید و یا شهرت و منزلتی داشته باشید، نیست؟ پس اگر پاسخ مثبت است، شما می‌توانید این دوچرخه را بخرید.

۳. آیا خرید این دوچرخه به شما کمک می‌کند خانواده و کلیسای خود را بهتر خدمت کنید؟ آیا می‌توانید اطمینان حاصل کنید که این کار باعث ایجاد اختلاف و مشاجره نخواهد شد؟ آیا خانواده‌تان با خرید آن موافق است؟ اگر پاسخ مثبت است پس می‌توانید آن را خریداری کنید.

۴. بعد از دعا (و پاسخ دادن به تمامی این پرسش‌ها)، آیا مطمئن هستید که اراده خدا برای شما به‌عنوان خادم، داشتن آن دوچرخه است؟ اگر پاسخ مثبت است پس بهتر است آن را بخرید.

به کار بردن این اصول ممکن است دشوار به نظر رسد و در بعضی مواقع همین‌طور است. اما وقتی به نتیجه می‌رسید، آرامش خواهید یافت، زیرا می‌دانید از معیارهایی پیروی کرده‌اید که خدا در کلامش بیان کرده است.

پرسش‌های کاربردی

۸. به سیگار کشیدن در کتاب مقدس اشاره‌ای نشده است اما اکثر ایمانداران مسیحی سیگار نمی‌کشند، آیا می‌توانید دلایلی برای این موضوع ذکر کنید؟

(a) پاسخ خود را با در نظر گرفتن اصل مباشرت بیان کنید.

(b) پاسخ خود را با در نظر گرفتن اصل خدمت بیان کنید.

پاسخ پرسش‌های کاربردی

۱. (b) دلیل شما برای نیاز به آن چیز، چیست؟ سپس قبل از تصمیم‌گیری برای آن دعا کنید.
۵. (a) آنچه با اوقات فراغت خود می‌کنید.
- (b) هر روز وظایف شغلی خود را چگونه انجام می‌دهید.
- (c) حقوق و درآمد خود را چگونه خرج می‌کنید.
- (d) چه مطالبی را، و چگونه مطالعه می‌کنید.
۲. پاسخ شما
۶. پاسخ شما
۳. (a) کتاب مقدس را مطالعه کنید.
۷. عبارات (a)، (d)، (f) و (g) اصول خدمت را بیان می‌کنند.
۴. پاسخ شما
۸. ممکن است پاسخ شما دقیقاً با ما یکی نباشد اما از لحاظ معنایی باید یک پیام را داشته باشد.
- (a) مباشرت
۱. این بهترین روش برای خرج کردن پول نیست.
۲. این روش خوبی برای استفاده از بدنی که خدا آفریده است نیست (سیگار کشیدن باعث بیماری و کوتاه شدن عمر می‌شود).
۳. این فعالیت دائماً نیازمند هزینه کردن است. (سیگار کشیدن اعتیادآور است).
- (b) خدمت
۱. شما ممکن است بر روی شخصی تاثیرگذار باشید و او سیگاری شود.
۲. از آنجایی که سیگار کشیدن اعتیادآور است، شما غلام (خادم) آن خواهید شد و نه غلام (خادم) خدا